

## تأثیر فرهنگ و سنت در معماری منظر در دوره صفویه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸

کد مقاله: ۲۳۷۰۲

مهدی زندیه<sup>۱\*</sup>، امیر سعیدی<sup>۲</sup>، صبورا لطف پور نیازی<sup>۳</sup>

### چکیده

تأثیر فرهنگ و سنت در معماری منظر در دوره صفویه به عنوان یکی از موضوعات مهم در تاریخ هنر و معماری ایران مطرح می‌شود. در این دوره با پرداختن به فرهنگ و سنت‌های مختلف ایران، معماری منظر به یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین شاخه‌های هنری ایران تبدیل شد. در این تحقیق، تأثیرات فرهنگی و سنتی در معماری منظر در دوره صفویه بررسی شده است. از جمله عواملی که بر معماری منظر در این دوره تأثیر گذار بوده است، می‌توان به آثار هنری، معماری سنتی ایران، و سنت‌های مردمی اشاره کرد. با توجه به جایگاه ویژه ایران در تمدن‌های جهانی و نقش بارزی که فرهنگ و سنت در آن دوره ایفا می‌کرد، معماری منظر نیز به یکی از بارزترین و مهم‌ترین زمینه‌های هنری و معماری تبدیل شد. در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که فرهنگ و سنت ایرانی تا روز امروز نقش بسزایی در تعریف و شکل‌دهی به معماری منظر ایران دارد و در دوره صفویه نیز این تأثیرات بسیار گسترده و چشمگیر بوده است. در دوره صفویه، معماری منظر به عنوان یکی از عناصر مهم در تحولات فرهنگی و هنری این دوره مطالعه شده است. تأثیر فرهنگ و سنت در این دوره بر معماری منظر به عنوان یکی از موارد مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، تحلیل دقیق و عمیقی از نقش و اهمیت فرهنگ و سنت در ایجاد و شکل‌دهی به معماری منظر دوره صفویه از اهمیت دارد. به عنوان مثال، ارث فرهنگی و تاریخی ایران و تأثیرات آن بر طراحی باغ‌ها، بنای‌ها و فضاهای سبز این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو، ارتباط بین فرهنگ و سنت با ظاهر و ساختار معماری منظر این دوره موضوع حیاتی و حیاتی برای پژوهش‌های آینده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، سنت، معماری، منظر، صفویه

۱- استاد معماری منظر، دانشگاه بین المللی امام خمینی، دانشگاه پارس (نویسنده مسئول) mahdi\_zandieh@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه پارس

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشگاه پارس

در دوره صفویه، معماری منظر به عنوان یکی از عناصر مهم در تحولات فرهنگی و هنری بوده است. تاثیر فرهنگ و سنت در این دوره بر معماری منظر به عنوان یکی از موارد مورد بررسی قرار گرفته است. از این رو، تحلیل دقیق و عمیقی از نقش و اهمیت فرهنگ و سنت در ایجاد و شکل‌دهی به معماری منظر دوره صفویه اهمیت دارد. به عنوان مثال، ارت فرهنگ و تاریخی ایران و تاثیرات آن بر طراحی باغ‌ها، بنای‌ها و فضاهای سبز این دوره مورد بررسی قرار می‌گیرد. از این رو، ارتباط بین فرهنگ و سنت با ظاهر و ساختار معماری منظر این دوره موضوع حیاتی و حیاتی برای پژوهش‌های آینده است. سوالات اصلی این مقاله این است که: فرهنگ و سنت‌های دوره صفویه چگونه بر معماری منظر این دوره تاثیر گذاشته؛ علاوه بر آن اینکه چه عوامل فرهنگی و سنتی در معماری منظر دوره صفویه مشهود بودند و این عوامل چگونه بر طراحی و ساختار منظر تاثیر گذاشته است. سوالات فرعی که در این مقاله به آن پرداخته شده است چنین است: نقش دین و اسلام در معماری دوره صفویه چگونه بوده و چه ابزار و تکنیک‌های معماری منظر در دوره صفویه به کار گرفته شده و تفاوت و تمایز آن با سایر دوره‌های تاریخی چیست. فرضیه اصلی این مقاله چنین است: تاثیر فرهنگ و سنت در معماری منظر در دوره صفویه بر اساس عوامل جامعه‌شناختی و تاریخی با توجه به دین اسلام به وضوح قابل مشاهده است. و فرضیه دیگر این مقاله نیز چنین می‌باشد: معماری منظر در دوره صفویه تحت تاثیر فرهنگ و سنت ایران باستان قرار گرفته و الهام گرفته از آثار هنری و معماری قدیمی ایرانی و معماری منظر در دوره صفویه نمایانگر تصورات و تغییرات چندپهلوی اجتماعی و فرهنگی در آن دوره می‌باشد که توسط شاهان صفویه به وجود آمده است و شیخ بهایی از افراد شاخص در این زمینه است. در این مقاله از روش تحقیق تاریخی استفاده شده که در آن ابتدا باید یک بررسی جامع از معماری منظر در دوره صفویه انجام داد که شامل منابع تاریخی، اسناد قدیمی، نقشه‌ها، نقاشی‌ها و سایر منابع مرتبط با معماری منظر در این دوره می‌شود.

## ۲- پیشینه تحقیق

کیانی ده کیانی، غلامرضا؛ در پژوهشی با عنوان « اصفهان شهر نظاره - بازشناسی معماری نظرگاهی صفوی » که هدف آن شناسایی مفاهیم و شأن نظرگاهی فراورده‌های معماری شهری در ساخت پایتخت صفویان بوده است و بررسی‌های روی فراورده‌های معماری شهری اصفهان نشان داد که طراحان صفوی اراده‌ای قوی برای هم‌آغوشی فضاهای شهری با طبیعت داشته و با انتخاب هندسه مستطیل، ایجاد نهرهای آب و کاشت ردیف درختان در همه فضاهای شهری، خواستی مؤکد در ساخت مکان‌هایی با خصلت باغ داشتند. (کیانی ده کیانی، غلامرضا؛ ۱۴۰۱) نیک فطرت و بیطرف طی پژوهشی با عنوان (بررسی تاثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری) که به معرفی جایگاه پایداری در معماری سنتی با محوریت فرهنگ پرداخت و در پی افزایش پایداری ارزش‌های بومی معماری و تداوم استفاده از آنها در جهت جهانی شدن را به ما روشن ساخت. نتایج حاصل از آن بیانگر آن بود که حفظ و تلفیق ارزش‌های معماری بومی، بیانگر راز پیوستگی انسان‌ها به تاریخ و محیط کالبدی خود و در پی آن موجب پایداری در هر زبان و فرهنگی می‌باشد. (نیک فطرت، مرتضی، بیطرف، احسان، ۱۳۹۵)

هاشم زهی و همکاران در پژوهشی با عنوان « مطالعه تطبیقی بنیان‌های فکری معماری در فرآیند ناخودآگاه و خودآگاه (مورد مطالعه: مقایسه معماری دوره صفویه و معاصر) » که با رویکرد کیفی و مبتنی بر دو راهبرد تاریخی تطبیقی و اسنادی انجام گرفته است و محیط مطالعه اسناد و مدارکی اند که درباره بنیان‌های فکری دوره صفویه و بنیان‌های فکری دوره معاصرند. که بر اساس آرای مطرح شده، در هر دو دوره، پیوند بین تولید فرم و خلاقیت حائز اهمیت است؛ نتایج مقایسه‌ای نشان دادند در معماری صفویه در فرآیند آفرینش آثار و مصنوعات خویش، هنرمند خودش نیز متحول می‌شد و آفرینشی تازه و خلقی نو می‌یافت. (هاشم زهی و همکاران؛ ۱۴۰۲) مدقالجی و همکاران، در پژوهشی با عنوان « تفکر تعقلی شیعی و تاثیر آن در معماری منظر دوره صفویه » که با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای، غور در مباحث فلسفی و دینی، به دنبال ارائه‌ی تأویلی برگرفته از تفکر تعقلی شیعی در منظر دوره صفویه بوده‌اند که در آن سعی کرده‌اند تا با اتکا به قرآن، احادیث و اندیشه‌های ملاصدرا، معماری منظر دوره صفوی شهر اصفهان را در حیطه تفکر تعقل شیعی مورد بررسی قرار داده و شاخص‌ها و تجلیات کالبدی آن را به موجب ادراک تعقلی انسان، آشکار نماید. که در نهایت نتایج به دست آمده در آن نشان داد که معماری منظر ایران، و به طور شاخص باغ ایرانی، که دارای الگوی شناخته شده و ماندگار با پیشینه تاریخی سده‌های مختلف است؛ در این دوره با بهره‌گیری از مفاهیم برخاسته از این تفکر، به مفاهیمی چون عالم‌مثال، عدالت و قدر بیشتر پرداخته است. (مدقالجی و همکاران؛ ۱۳۹۵)

نوروزی و شایسته در مقاله‌ای با عنوان « تاثیر فرهنگ بر معماری بومی » که در آن از روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا به بررسی تحقیقات و اسناد پیشین در زمینه تعریف فرهنگ و معماری بومی، و تاثیر این دو بر هم می‌پردازد، سپس با استفاده از تحلیل تحقیقات انجام شده، تاثیر فاکتورهای مهم بر تحقق این هدف تبیین گشته است. تا ارتباط بین موضوعات مختلفی که شناسایی

شدند پیدا شوند. در این مقاله به معرفی «معماری بومی» این هنر ظریف و نیز به معرفی «فرهنگ» که بیانگر هویت جامعه است پرداختند و سرانجام به تاثیر فرهنگ بر معماری بومی پرداختند (نوروزی و شایسته؛ ۱۳۹۲).

### ۳- معماری عصر صفویه

در سال ۱۰۰۰ هجری قمری به دستور شاه عباس اول پایتخت صفویان از قزوین به اصفهان انتقال یافت در این زمان جمعیت اصفهان به یک میلیون نفر رسید و به شدت از نظر مراکز تجاری و فرهنگی ترقی نمود. عصر صفوی، عصر کمال و شکوفایی نوع معماری و شهرسازی در ایران است. هنرمندان شهر جلفای نوی آذربایجان اوج شکوه معماری ایران را در اصفهان به نمایش گذاشتند. زیباترین و با شکوه‌ترین آثار معماری ایرانی اسلامی در همین دوره، توسط معماران خلاق و هنرمندی چون محمدرضا و علی اکبر اصفهانی آفریده شد. اصفهان در مرکز امپراتوری صفوی قرار داشت و نسبت به قزوین به خراسان نزدیکتر بود. موقعیت جغرافیایی این شهر موجب افزایش سرعت عکس‌العمل شاه در مقابل تهدیدات ازبکان و عثمانیان بود. شاه عباس بدون ایجاد تغییرات عمده در بخش قدیمی شهر، بخش‌های جدیدی را به آن افزود. میدان نقش جهان، دولتخانه و خیابان چهارباغ در کنار بخش‌های قدیمی شهر ساخته شدند. از ویژگی‌های مهم در شیوه معماری این دوره، علاوه بر استحکام و زیبایی ساختار، درخشش بیان است.



عکس ۱ - اصفهان، پایتخت شاهنشاهی ایران، نقاشی در ۱۷۲۵ میلادی - منبع: <https://fa.wikipedia.org>

در آثار این دوره تابش رنگ و نور، و جذابیت سطوح و شکوه چشمگیر آن‌ها، احساس زیبایی خیره‌کننده‌ای در بیننده ایجاد می‌کند و طنین رنگ‌ها و سطوح مکرر کاشی‌های درخشان به منظره‌ای شفاف، مجرد و روحانی تبدیل می‌شود. معماری این دوره از لحاظ وسعت و کارایی، بسیار متنوع است و در تمامی ابعاد حیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مردم حضوری زنده و پویا دارد. باشکوه‌ترین مساجد، عظیمترین میدان‌ها، زیباترین پلها و خیابانها، بزرگ‌ترین بازارها، مدرسه‌ها، و کاروانسراها در این عصر ساخته شد؛ و همه در نوع خود در اوج کمال هنری، استحکام و کارایی و بعضی چنان باشکوه و زیبا و کامل که گاهی نمی‌توان باور کرد که انسانی ناچیز آن را پدیدآورده باشد.

### ۴- فرهنگ

#### ۴-۱- ریشه واژه فرهنگ در زبان فارسی

کلمه فرهنگ (Fra - hang) از پیشوند «فر» به معنی پیش و ریشه باستانی تنگ (thang) به معنی کشیدن می باشد. هنگ در واژه های فارسی به معنی قصد و آهنگ است و آهختن و آهیختن به معنای کشیدن و برآوردن از همین ریشه است که با افزودن فر به آن فرهیختن یا فرهختن به معنی تربیت کردن و ادب آموختن می باشد. (نوروزی، ملیحه، شایسته، شیمیا، تاثیر معماری بر فرهنگ بومی)

#### ۴-۲- تعریف فرهنگ از نگاه تیلور

تعریف تیلور از فرهنگ، چنین است: «کلیت در هم تافته ای شامل دانش دین هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هر گونه توانایی و عادت که آدمی همچون هموندی از جامعه به دست می آورد. به این معنا انسان بی فرهنگ و جامعه ی بی فرهنگ در کار نیست، زیرا زندگی اجتماعی، یعنی با هم زیستن، به معنای در فرهنگ زیستن است. (نوروزی، ملیحه، شایسته، شیمیا؛ ۱۳۹۲)

#### ۴-۳- فرهنگ شهرسازی اصفهان در دوره صفویه

زبان شهرسازی بخش قدیمی اصفهان یعنی مجموعه نقش جهان، مانند زبان هر اثر هنری دیگر، پیام های فرهنگی دوره خود را انتقال می دهد، یعنی مقولات فرهنگی را نمادین می کند. بدیهی است قصد این نوشتار آرمانی کردن دوره ای در گذشته نیست، بلکه هدف آموختن از گذشته برای آینده است. هر چند در دوره ای که از آن نام برده شد. کج تابی های فراوانی نیز وجود داشته است. مشخصه بزرگ این دوره نوجویی و نوجوایی نظام فرهنگی بود تا آن جا که در بسیاری از عرصه ها به ایجاد فرهنگ

نوبتی از شعور اجتماعی، ادراک فضایی و فهم ارزش‌های هنری توفیق یافته است. دوره میانه حکومت صفوی به دلیل پایگاه مقتدر سیاسی/ اجتماعی و آزاداندیشی، زمینه بسیار مستعدی برای شکوفایی استعداد هنرمندان و صنعتگران فراهم شد. آنان نیک میدانستند که هنر با نوآوری معنا می‌یابد و نوآوری یعنی بدعت‌گذاری، نه تکرار و تقلید گذشته. هر صدایی در روح ما برخاسته از آگاهی و به عبارت دیگر فرهنگی خاص است. (حبیب، فرشته: ۱۳۸۸)

#### ۴-۴- عوامل فرهنگی موثر در شکل‌گیری فضای معماری صفویه

در معماری مانند سایر هنرها میتوان تاثیر برخی از پدیده‌ها و جلوه‌های عمیق فرهنگ ملی و دینی را به شکل الگو و صورتهایی پایدار مشاهده کرد. برخی از این طرحها و الگوها در معماری ایرانی مثل چهار صفا و چهارباغ که از عوامل و پدیده‌های اصلی فرهنگ و تمدن یک قوم یا ملت هستند بسیار طولانی و پایدار هستند. البته پایداری آنها به معنای فقدان پویایی آنها نیست. (نوروزی، ملیحه، شایسته، شیما، تاثیر معماری بر فرهنگ بومی)

#### ۴-۵- بنیان‌های عرفانی و فلسفی شهر اصفهان در دوره صفویه

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد از منظر اندیشمندان، ارتباط تنگاتنگی میان معماری اصفهان و مکاتب فلسفی و عرفانی دوره صفویه برقرار است. بررسی منظر شهری تاریخی اصفهان با عینک عرفان‌گواه از آن دارد که ردپای عرفان به عنوان یکی از مجاری چهارگانه شناخت در مقیاسهای مختلف در اصفهان قابل‌بازرسی است. برای نمونه میتوان به تعبیر عرفانی نور در عرفان ایرانی و اسلامی به عنوان نقطه مقابل ظلمت به نشانه آگاهی در مقابل جهل و نحوه تجلی آن در مقیاس خرد و درجیبات نور در مسجد شیخ لطف‌الله اشاره کرد که مفهوم عمیق عرفانی وحدت در کثرت را - با استناد به نظر برخی از محققین اصفهان - تجلی داده است. در مقیاس دیگر، نور و سایه در حرکت در راهروهای دورادور میدان نقش جهان مفاهیم عرفانی را کالبد میبخشد که نشان از بصیرت خودآگاه یا ناخودآگاه طراحان، هنرمندان و حرف‌همندانی دارد که این آثار را خلق کرده‌اند؛ این بصیرت به زیبایی در این تعبیر شاعرانه بیان شده است که استادان نبض نور را در دست داشتند. در مقیاس کلان نیز عرفان در ساختار شهر در تجلی شهر به مثابه بهشت زمینی منعکس میشود: «باغ هزار جریب» سنبلی می‌شود از باغ جهان که هر چند هزار جریب است اما در مقایسه با شهری که پس از طی کردن «سی و سه پل» - به نشانه پلی مابین این دنیا و آن دنیا - در انتظار ناظر است، بسیار کوچک است. شهر بعد از پل نیز با چهار باغش سنبلی میشود از باغ بهشت تجلی فلسفه در معماری و شهرسازی اصفهان در عصر صفوی و با رونق گرفتن هنر و معماری تجلی پرظهورتری یافت. از جمله این مکاتب فلسفی میتوان به اسفار اربعه و از جمله تأثیرات آن به مکانیابی و طراحی نمادین پل خواجه اشاره کرد. دادن نقش نمادین به بناهای دارای کاربرد همگانی تلاشی دیگر برای نسبت مابین فلسفه و هنر معماری و شهرسازی است. (عسرتی، پرستو؛ دولابی، پویا؛ ۱۳۹۹)

#### ۴-۶- بازتاب فرهنگ به صورت فضای معماری در عصر صفویه

عوامل متعددی بر آثار هنری و فضاهای معماری تاثیر می‌گذارند که زیر مجموعه فرهنگ هستند. این تاثیر گاهی روشن و گاهی ظریف و غیر آشکار است. مانند تاثیر نقش صلیب در طراحی کلیساهای تاریخی به صورت آشکار و سلسله مراتب بین انواع فضاها از جمله عناصر فضای ورودی مسجد جامع ایرانی و مفهوم و محتوای فرهنگی آن که در مرحله نخست از دید مشاهده کننده پنهان می‌ماند. جلوه‌های فرهنگ در هنرها را میتوان به صورت اهمیت یافتن برخی اعداد و اشکال دانست. یکی از علل توجه به اعداد مربوط به درک انسان از نظم جهان در گذشته بوده که آنرا به ملموس‌ترین شکل یعنی نظم عددی دریافت می‌کرد. بسیاری از این شکلها و اعداد در فعالیتها و مراسم آئینی، هنرها، مکتب‌های فکری و غیره به صورت ویژه ای کاربرد یافتند. کاربرد هر عدد یا شکل در هر یک از انواع فعالیتها یا هنرها از یک سو با ویژگیهای بصری و شمارشی آن فعالیت و از سوی دیگر با خصوصیات و مشخصه‌های آن شکل یا عدد بستگی داشته است. بنابراین شکلها و عددهایی در هنر معماری مورد توجه و استفاده قرار می‌گرفت که با ویژگیهای ریاضی هندسی کمی و ملموس این هنر و همچنین با فرهنگ عمومی این سرزمین سازگار باشد. مانند عدد چهار، خصوصیات مربع و دایره، ویژگیهای مشترک دایره و مربع، مکعب حجم‌های گروهی شکل و چهار طاق و ... (نوروزی و شایسته، تاثیر معماری بر فرهنگ بومی)

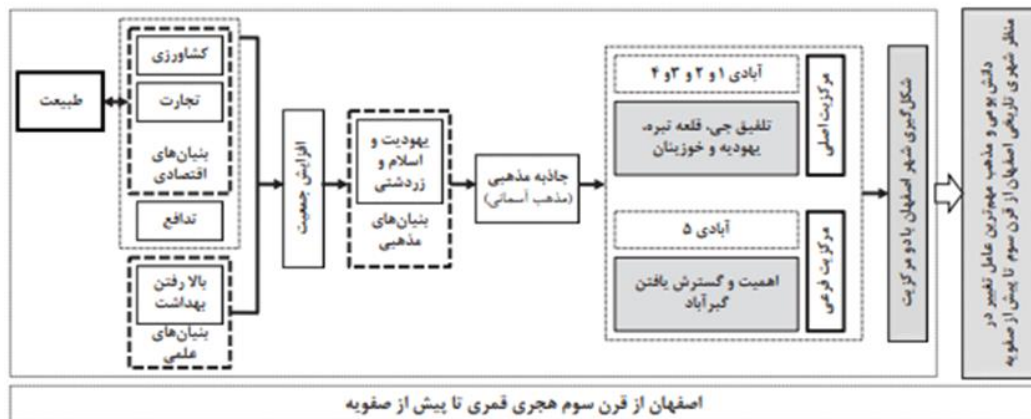
#### ۷- تعریف سنت و معماری سنتی

در لغت نامه دهخدا برای واژه سنت چنین آمده است: «راه و روش، آیین و رسم و نهاد، راه دین و شریعت. به عقیده راپاپورت سنت مفهومی بسیار عام و هر چیزی است که در طول زمان منتقل شود و به زمان بعد از خودش میرسد این مفهوم قلمروهای گوناگونی چون روش، زندگی، رفتارها، وقایع، ارزشها، تصورات قوانین، فلسفه، هنر، معماری یادمانها، صنایع دستی حکومت‌ها،

سیاست‌ها، مؤسسات و نهادها و... را در بر دارد (Rapoport, ۱۹۸۹، ۸۴) به عقیده دافنر سنت انتقال شفاهی و غیر شفاهی اطلاعات در بین مردمی است که فرهنگ مشترک دارند (۳ و ۱۹۹۲ و Daffiner). معماری سنتی معماری ای است که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد ثانیاً در طول زمان از نسلی به نسل دیگر رسیده باشد جامعه سنتی درون یک نظام معنوی زندگی میکند که هم از لحاظ کیفی و هم کمی، جویای هماهنگی کامل است. آفریده‌های آن همچون معماری از جهان بینی کاملی مایه میگیرند که نیروهای خلاقه انسان را پدید میآورند و آن را به سوی غایتی رهنمون می‌شوند و در عین حال جامعه را به صورت کل واحد وحدت می‌بخشد این نگرش در همه انسانهای یک جامعه سنتی وجود داشته است و از طریق آنان بر تمام شئون جامعه جاری می‌شده است. شخص معمار که سازنده بناهای سنتی است نیز از چنین نگرشی برخوردار بوده است و این گونه توجه را به معماری ابراز می‌کرده است (صادقی پی، ۱۳۸۹، ۱۱). سنتها در باورها و اعتقادات رفتارها گفتارها فنون و هنرها که تبلور باورها در محصولات انسانی (است و معماری گروه بندی میشوند تأویل سنت به مثابه ویژگی عام جوامع قبل از مدرن عمل سنتی از دید متجددان واپس گرا و مربوط به گذشته دارای بار ارزشی منفی است (حجت ۱۳۹۳، ۳۰). اندیشمندانی دوران سنتی را دورانی غنی تر از عصر مدرن دانسته اند؛ چراکه فرهنگهای سنتی همیشه انسان حکیم یا فرزانه را به عنوان شخصیت عمده در جامعه بشری تصور میکردند علم او به حق در بعد کلی است و تا به آن حد که این دانش به سعادت او هم در دنیا و هم در آخرت مربوط میشود (نصر، ۱۳۷۹، ۱۴۶). (هاشم زهی، مهدی نژاد درزی، کریمی، مطالعه تطبیقی بنیان های فکری معماری در فرآیند ناخودآگاه و خودآگاه؛ مورد مطالعه: مقایسه معماری دوره صفویه و معاصر)

## ۸- معماری دوره صفویه

سبک بناهای صفوی با توجه به کمیت و تنوع آنها با تمرکز در سه ناحیه عمده بررسی و ارزیابی میشود: این سه سده هفدهم اصفهان، آرامگاه‌های بزرگ، معماری غیر مذهبی سده هفدهم. بهترین معماری این دوره آنست که مفهومی منسجم از ارزش‌های فضائی دارد. این مفهوم تماشائی‌ترین وجه خود را در مناظر کلی به نمایش می‌گذارد که در آن هر بنائی بناهای مجاور را تکمیل می‌کنند. این مفهوم در سطح وسیعی از معماری منظرهای چهارباغ بیان شده یعنی جائی که به نظر می‌آیند و بطور سنجیده فرع بر منظره‌پردازی خیابان قرار گرفته‌اند. معماری صفوی محتاط است. این معماری با حجم‌ها و توده‌های عظیم سرو کار دارد و سطوح نرم و ساده را بر سطوح پیچیده و بغرنج ترجیح می‌دهد. طاق بندی که اساس و ذرات هر نوع معماری خط خمیده‌است، به جز در چند ساختمان زیارت گاهی نظیر ماهان، یکنواخت و تکرار شونده‌است. هنگامی که معمار دوره صفوی تردیدی می‌کرده، چند ردیف دیگر از کندوهای مقرنی دیگر می‌ساخته‌است. گنبد‌های دوره صفوی از الگوهای دوره تیموری و ایلخانی، نه جلوتر، پیروی کرده‌اند.



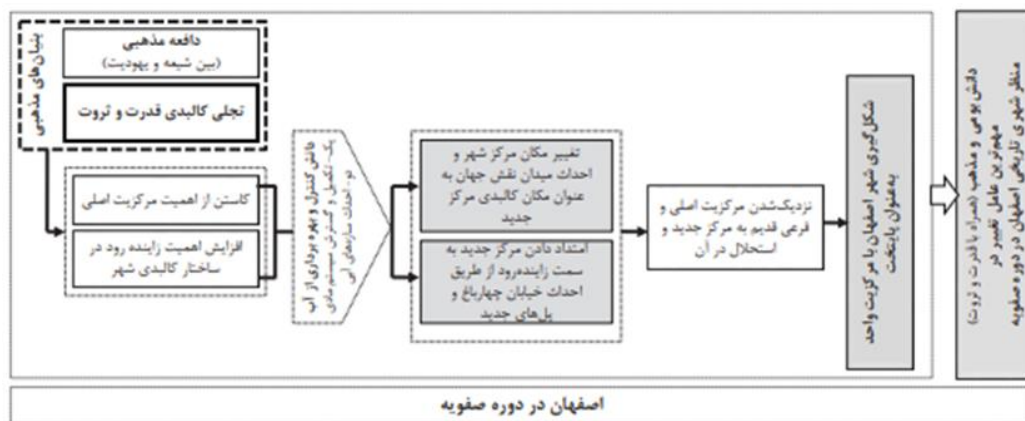
شکل ۱- سیر تحول اصفهان از قرن سوم هجری تا پیش از صفویه مبتنی بر رویکرد منظر شهری تاریخی (عشرتی و دولابی، ۱۳۹۹)

با گسترش اسلام و تبدیل شدن ایران به یک کشور اسلامی، محله یهودیه دیگر گسترش کالبدی چندانی نیافت و این قوم بیشتر تلاش خود را بر تعریف مرزهای کالبدی و غیرکالبدی متمرکز ساختند تا از این طریق اصالت خود را پاس دارند. این پاسداشت با توجه به نقش میدان کهنه به عنوان مرکز تجاری- مذهبی که توانسته بود سر راههای تجاری جایگاه خود را تثبیت نماید، به خوبی انجام شد تا زمانی که حکومت صفویه اصفهان را به واسطه موقعیت استراتژیک آن و هماهنگی اقلیمی- طبیعی با میل غرس باغ شاهان صفوی، برگزیده شد. میل قدرت طلبی و رقابت با دربار عثمانی که آن زمان بیشتر از میل ثروت طلبی رخ



نموده بوده، شاه عباس را بر آن داشت تا مرکز شهر را تغییر دهد تا علاوه بر نشان دادن قدرت خود با اقدام به کارهای عمرانی وسیع، هسته ای جدید برای شهر دورتر از هسته یهودینشین ایجاد کند. آگاهی از قرارگیری مسجد جمعه که به مسجد یهودیه شهره بود، بر محل پرستشگاه آیینی دیگر نیز در ترغیب شاه عباس - با تعصب بالای مذهبی - به تغییر مرکزیت مذهبی مؤثر بود. (جدول ۲) (عشرتی، پرستو؛ دولابی، پویا؛ ۱۳۹۹)

بیشتر صاحب نظران بر گسترش محوری اصفهان تأکید ورزیده‌اند چنان که آمده است: «در زمینه گسترش تکاملی فرم کالبدی اصفهان، اعجاز اقدامات شهرسازی در دوره های تاریخی، به ویژه در دوره صفوی، این بود که همواره تلاش شده است سامانه خطی بودن و امتداد و پیوستگی این محور در دوره های توسعه آن حفظ شود، و به همین جهت است که این محور در طول تاریخ توسعه شهر گسترش و تکاملی اندام واره داشته است. با اطمینان میتوان گفت که در جهان کمتر شهر قدیمی از امتیاز داشتن چنین استخوانبندی محکمی برخوردار است، به طوری که در طول چندین قرن فرم کالبدی اصفهان و توسعه آن جوابگوی زندگی و تلاش و کار مردم بوده است. استخوان بندی موجود شهر اصفهان بر دو محور عمود بر هم، یکی محور طبیعی زایندهرود و دیگری محور مرکزی شهر استوار است» با وجود اهمیت این توسعه محوری اما نوع دیگری از توسعه در اصفهان نیز وجود دارد: توسعه شعاعی. از این رو به طور کلی دو نوع توسعه در شهر اصفهان قابل شناسایی است: الف) توسعه شعاعی، ب) توسعه محوری. (عشرتی، پرستو؛ دولابی، پویا؛ ۱۳۹۹)



شکل ۲: سیر تحول اصفهان در دوره صفویه مبتنی بر رویکرد منظر شهری تاریخی (عشرتی و دولابی؛ ۱۳۹۹)

## ۸- تأثیرات تفکرات شیعی و فلسفه ملاصدرا در شکلگیری معماری منظر دوره صفوی

### ۸-۱- فلسفه ملاصدرا و ادراک عقلی

در میان فیلسوفان مسلمان شاید بتوان گفت فلسفه صد را کامل‌ترین و جامع‌ترین فلسفه ای است که تاکنون ظهور کرده است و در همین راستا بیشترین و کامل‌ترین سخنان را در باب انسان نسبت به فلسفه های اسلامی ما قبل خود بیان کرده است. ملاصدرا به شدت تحت تأثیر عرفان نظری ابن عربی بوده است. اما وی قبل از هر چیز متفکری شیعی مذهب بود که تعالیم امامان در جان و ذهن او رسوخ کرده بود. اهمیتی که او برای مجموعه احادیث امامان می پذیرفت و تفسیری که که در این زمینه نوشته است از همین جا مایه می گیرد. سه اصل اساسی که حکمت متعالیه بر آن ها متکی است. عبارت است از اشراق یا شهود عقلی کشف یا ذوق یا اشراق، دلیل یا برهان عقلی عقل یا استدلال دین یا وحی (شرع یا وحی با در آمیختن معرفت برگرفته از این منابع است که نظام تلفیقی ملاصدرا حاصل شده است. صدرا، عوالم را در سه عالم منقسم میداند عالم عقل، عالم نفس حیوانی و عالم طبیعت عالم اول به کلی از کثرت محفوظ می داند عالم دوم از کثرت وضعی و اقسام مادی مصون بوده و عالم سوم نیز عالم کثرت تضاد و انقسام مواد است. وی نفس انسانی را نیز متمایز از نفوس حیوانی دارای سه مقام عقل و قدس»، «نفس و خیال» و «حس و طبیعت میداند و بنا به همین معنا برای هر یک وجودی قائل میشود اول وجود حسی یا وجودی صوری که دارای وضع نبوده و مشروط به وجود ماده خارجی است. دوم وجودی خیالی که این نیز وجودی صوری است ولی مشروط به حضور ماده و ادراک حسی آن نیست (مگر به هنگام حدوث و سوم وجود عقلی که از اشتراک بین کثرت و حمل و صدق بر آن ها اگر مطلق و نه به شرط تعیین اخذ و اعتبار شود امتناع ندارد. مانند انسان عقلی که مشترک بین افراد فراوان میباشد.

صدر المتألهین برخلاف ابن سینا که تجرد را فقط عقلی پنداشته است؛ معتقد است: تجرد دو گونه است تجرد عقلی و تجرد مثالی مقصود از موجود مثالی موجودی است که فاقد هیولا و مکان و فاقد وضع مادی است و تجردی که ویژگی ضروری نفس است تجردی مثالی است نه عقلی یعنی ضروری نیست که هر نفس انسانی از مرتبه تجرد عقلی برخوردار باشد. بلکه به نظر

صدرالمتألهین افراد نادری از انسان که قادرند صور عقلی کلی را بدون آمیختن با صور خیالی و بدون کمک گرفتن از قوه خیال آمیختن با صور خیالی و بدون کمک گرفتن از قوه خیال به طور خالص درک کنند از چنین تجردی برخوردارند. پس تجرد عقلی ویژگی عام نفس انسانی نیست ولی برخلاف آن، تجرد مثالی عام است. از دیدگاه صدرا هر چه از مرتبه عقل به مرتبه جسم فروگذاشته شود قدرت و کمال انسان کاهش می یابد. از دیدگاه صدرا چشم انسان عقلی قوی تر و ادراکش بیشتر است. زیرا قادر به رویت کلیات است و از این رو که معرفت بیشتری دارد ارجمندتر است. به بیانی دیگر هیچ اثری ادراک نمی گردد مگر آنکه صورت عینی اش با ذات ادراک شونده و ذات ادراک کننده اتحاد پیدا کند». در حکمت صدرایی بنابر اتحاد علم و عالم و معلوم «، بررسی در مورد ادراکات انسان را می توان بررسی نفس ناطقه و مراتب آن دانست. از نظر ملاصدرا نفس با ادراکات خود و در اثر حرکت جوهری فعلیت های گوناگونی پیدا می کند و با توجه به مراتب کلی خود دارای صورت های حسی خیالی و عقلانی می گردد که هر کدام حکم مختص به خود را دارد و صورت اخیر انسان در هر مرتبه تمام کمالات مادون خود را نیز داراست به تعبیر ملاصدرا، ویژگی عام نفس انسانی واحد تجرد مثالی بوده و قابلیت درک در این مرتبه وجودی را داراست از این رو میتواند صور مثالی را که توسط هنرمند ( در اینجا معمار منظر نقش شده است را درک نماید البته این درک به میزان مرتبه و قابلیت نفس انسانی متفاوت است و هر اندازه انسان عوالم عقل را طی کند به حقایق معقول نزدیک تر شده و قابلیت درک عقلی دریافت تمام اشیا را پیدا می کند این در مورد هنرمند نیز به همین نحو است به گونه ای که اگر هنرمند واجد درک عقلی و یا مرتبه بالایی از تجرد مثالی باشد با تجسد و تصور تجارب خود در کالبد معماری نمادهایی را پدید می آورد که حاوی لایه های بیشتری از مراتب ادراکی بوده و میتواند زمینه ساز درک مراتب بالاتر و ارتباط بین محسوسات و معقولات باشد. (مدقالجی و همکاران، ۱۳۹۵)

نشئات	مقامات انسان	نوع انسان	ادراک	مبدأ	علم	کیفیت عالم
نشئه سوم	مقام عقل و قدس	انسان عقلی / دارای علم شهودی / (قوه عاقله)	ادراک عقلی	عقل	عالم عقلانی	مصون از کثرت
نشئه دوم	مقام نفس و خیال	انسان نفسانی (حواس باطنی)	خیالی و صوری (مشروط به حضور ماده نیست)	نفس	عالم مثال آخرت و غیب	مصون از اقسام ماده / کثرت وضعی
نشئه اول	مقام حس و طبیعت	انسان جسمانی (حواس پنجگانه)	ادراکات حسی (مشروط به وجود ماده خارجی)	طبع	عالم شهادت طبیعت (دنیا)	کثرت- تضاد انتقسام ماده

شکل ۳: مقامات انسان و مراتب عالم های وجودی (مأخذ: مدقالجی و همکاران، ۱۳۹۵)

## ۸-۲- اوضاع تاریخی و اجتماعی دوره صفویه

- این دوران همزمان با گذار از دوران خاموشی به عصر روشنگری در تمدن غرب است و همچنین دوران کلاسیک عثمانی
- این دوره را میتوان دوران تجدید سازماندهی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران به حساب آورد. (حبیب، فرشته؛ ۱۳۸۸)

## ۸-۳- معماری منظر دوره صفوی

طرح شهرسازی شهری همچون اصفهان دوره صفوی بدون آگاهی از صورت مثالین باغ بهشت» که همواره منبع الهام هنر ایرانی بوده است نمی توانست ریخته شود. در تمام دوران صفویه توسعه درون شهر جدید از نظم و رابطه ساختاری میان باغ و شهر تبعیت میکند و الگوی باغ ایرانی در راستای تعریف هویتی جدید برای شهر بوده است آنچه از بررسی تاریخ و نوشته های اروپاییان و مسافران غربی در مورد شهر اصفهان بر می آید تأکید بر فضای سبز گسترده در داخل شهر باغ شهر اصفهان به وسیله عناصر کالبدی و بصری صورت می گرفته که این عناصر همچون رشته ای پیوسته در کالبد و اجزای شهر یکپارچگی و پیوستگی بصری ایجاد میکرده است این رشته همانند رشته تسبیحی عناصر شهر را به هم متصل و الگوی بصری و عملکردی قوی را به دنبال داشته است که علاوه بر کمک به خوانایی شهر چشم انداز و منظر کلی شهر را در عین پیچیده بودن به صورت شفاف بازگو کرده است. حیاط های مرکزی خانه ها باغهایی با عمارت های برون گرا باغ هایی در حکم شریان شهری همه در منظر ایرانی به مدد عناصر طبیعی و کالبدی چون درخت آب و محورهای طولی گسترده تجلی باغ عدن بر روی زمین بوده است. باغ ایرانی که نمونه و الگوی کاملی از منظر شهری دوره صفوی اصفهان است با استفاده از عناصر طبیعی مادی به بی نهایت معنوی ارتقاء می یابد «باغ تا آن جا که ممکن است ساده و روشن شکل میگیرد و ابهامی «مادی» در رابطه انسان و فضا باقی نمی گذارد کیفیت آرامش، آسایش و محلی برای غور اندیشه تفکر، تأمل و تخیل خلاق به وسیله عدد هندسه رنگ و ماده یعنی عناصر کالبدی به حیاط حواس انسانی در آمده زیرا تمامی این کیفیات در فرآیند استنباط ذهنیات از عینیات قرار میگیرد و زمینه درک و فهم باغ ایرانی فراهم میشود. از این رو این فضا در عین دارا بودن قابلیت بکارگیری تمام حواس انسانی فضایی را به وجود می آورد که قوه عاقله

نفس انسانی را نیز مورد خطاب قرار داده و حواس باطنی انسان را نسبت به مرتبه وجودی وی درگیر می‌کند: «باغ ایرانی از هر رده‌ای که باشد در دو زمینه اصلی نقش آفرین است. از یک سو در خدمت روزمره به آدمیان به جهت استفاده از موهبت‌ها است و از سویی دیگر تمامی شاخص‌های یک پیام کائناتی را دارا می‌باشد. سوی نخست نمای این جهانی» دارد و سوی دوم نمایان‌کننده فضای آن جهانی است فضای معماری این جهانی و آن جهانی باغ ایرانی عبارتند از فضای سرزمینی و فضای زمانی باغ ایرانی دوره صفوی به مدد استفاده از تفکر حاکم بر این دوران که شاخص‌های آنها در این مقاله ذکر شد جدول شماره چهار بیش از سایر زمانها تجلی عالم مثال را در خود داشته است: «پرداخت نظری و قدرت مند عالم مثال در حکمت اسلامی و به ویژه در حکمت متعالیه همراه با حضور معانی بلندی چون «وحدت وجود وحدت شهود»، «نور»، «تجلی» و «آیین» می‌تواند عامل بسیار مؤثری در پرداخت مبانی حکمی یکی از بی نظیرترین مکاتب هنری جهان باشد در واقع اصفهان عهد صفوی، میعادگاه مفاهیم پایدار اسلامی بوده است (مدقالجی و همکاران، ۱۳۹۵).

وجوه تعقل شیعی در منظر دوره صفوی شهر اصفهان	
ظاهر و باطن	درون و برون / درونگرایی / سلسله مراتب - محرمیت و تعین فضاهای مختلف
عدالت	تأکید بر قابلیت‌های عناصر طبیعی - توازن / تناسب و تعادل واسط میان حقیقت و مثال - کاربری عمومی باغ‌ها (ساخت عدالت مدنی) [۳۰]
عالم مثال	توجه به جهت‌گیریها = گزینش شش جهت برای مکان یابی در فضای اصلی جهت = تأکید بر جهات بالا و پایین با استفاده از اینماهای راکد (عالم متعالی) = هندسه قدسی / نمادپردازی. ماده زدایی توسط عناصر آئینه‌گون آب / استفاده از نور و سایه / انعکاس نور در سطح آب. زمینه‌ساز تفکر در حقایق و معانی: «باغ‌های ایرانی جاهایی برای نوشتن و تفکر بوده است...» [۳۱].
هندسه و قدر	از مهمترین ابزار برای نمادپردازی عالم مثال (واسط میان حقیقت و مثال) زبان عقل. تأکید بر پرسبکتیو تک نقطه‌ای به واسطه سازماندهی فضایی خاص و محوراصلی موجود. پیوستگی در اجزاء توسط روابط هندسی گسترده‌گی چشم‌انداز = گشودگی (وسعت دید) = وسعت مجازی توسط هندسه باغ تجلی لاینهای وحدت، در نظم هندسی خود را نمودار می‌سازد [۳۱]
ادراک	تنوع فضایی / توجه به حواس ظاهری و باطنی به وسیله بکارگیری نمونه‌های مثالی برای ادراک عقلی و مثالی و محسوسات برای حواس ظاهری (نمایش آب به صورت‌های گوناگون برای متوجه‌کردن حواس ظاهری و باطنی). دارای سازماندهی فضایی به دور از پیچیدگی‌های بصری که از زیبایی آن نکاسته و آن را واجد سلسله مراتب، وحدت و همبستگی در کل مجموعه می‌کند.

شکل ۴: وجوه تعقل شیعی در منظر دوره صفوی اصفهان (مأخذ: مدقالجی و همکاران، ۱۳۹۵)

#### ۸-۴- عوامل مؤثر در شکل‌گیری کالبد شهر اصفهان در دوره صفویه

مهمترین نکته در طراحی شهری این دوره زبان مجازی و رمزی معنای درونی آن است، که منبعث از فرهنگ ایرانی که آمیزه‌ای از - ملی، مذهبی، مدرن - است می‌باشد. در تحلیل مبانی طراحی شهری این دوره غالب مطالعات انجام شده، بررسی صرفاً تأثیر مذهب بر کالبد بوده مانند نصر، اردلان و بختیار، یا ملاحظات زیباشناسانه بر کالبد بوده مانند پل‌یور و آشی‌هارا، یا دیدگاهی اسطوره‌ای به موضوع بوده و مبانی طراحی را در اساطیر قوم ایرانی نشان می‌دهند. اینان معتقدند که مبانی طراحی را باید در الگو یا الگوهای کهن قوم ایرانی جستجو کرد. مانند، شریعتی، حبیبی، بهار. دیدگاه پوپ و پیروانش نیز مبنای همه هنرهای ایرانی که معماری و شهرسازی را نیز در بر می‌گیرد اندیشه بازسازی بهشت، به مفهوم می‌کند که کهن‌الگوی آن در لاهوت بوده و یا صرفاً عملکردی، تحلیل می‌کنند. با توجه به رویکردی که نسبت به فرهنگ ایرانی که آنرا آمیزه‌ای از ملی (محلی)، مذهبی (سنت) و مدرن (نوگرا) دیده مبانی طراحی شهری دوره را بازتابی از این فرهنگ یافته؛ چرا که، ما به یمن قوه نقد و تأمل نسبت به خود که آن را مدیون هويت و فرهنگ مدرن خویشیم، با جهان معاصر هماهنگ می‌شویم و ارتباط برقرار می‌کنیم، لذا در این حیطة، پس از چالش در اوضاع اقتصادی و اجتماعی و طبیعی، کالبد شهر را به ایجاز توصیف می‌نمائیم. چالش کالبد در ارتباط با محیط و شرایط جغرافیایی چون قابل نقد علم است، منطقی تر صورت می‌پذیرد، ولی سر فضای فرهنگی بدون دل دادن به داستان معنویت و تجرید آن صورت نمی‌پذیرد. (حبیب، فرشته؛ ۱۳۸۸)

#### ۹- نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن صفویان نقطه عطفی در تاریخ تمدنی ایران اسلامی به وجود آمد، صفویان با تغییر مذهب رسمی جامعه تشیع در اصل نحوه نگرش جامعه را به تمام مفاهیم فلسفی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، هنری و ... تغییر دادند. در نتیجه آنچه که به عنوان نمود عینی این طرز فکر جدید بروز پیدا کرد بازتاب همان نحوه نگرش شد و علت رونق هنر و معماری در دوره صفویه. با توجه به تحقیقات انجام شده، مشخص است که فرهنگ و سنت در دوره صفویه تأثیر چشمگیری بر معماری منظر



داشته اند. این تاثیرات شامل الهام گرفتن از عناصر فرهنگی و سنتی، استفاده از نقوش و آرمانهای محلی، و توجه به نیازهای اجتماعی و فرهنگی بوده است. به طور کلی، معماری منظر در دوره صفویه نه تنها نمایانگر زیبایی و هنر بلکه پایه‌گذار فرهنگ و اندیشه ایرانی است. این ارتباط و تعامل بین فرهنگ و معماری منظر، باعث ایجاد بناهای زیبا و ماندگاری شده است که تا به امروز به عنوان نمایندگان برجسته‌ی هویت فرهنگی ایران شناخته می‌شوند. عالمان، متفکران و فلاسفه زمان نیز به تبع، در قالب مکتب اصفهان و به طور خاص تر در معماری صفویه سعی در تئوریزه کردن آن مفاهیم نمودند. به هر روی هنر، شهرسازی و معماری صفویه به عنوان تجلیل گاه مفاهیم نظری مکتب اصفهان که خود نیز ریشه در منابع اسلامی تشیع دارد، به بروز و ظهور معانی برخاسته از آن مکتب به صورت تمثیلی پرداخت. به همین دلیل آنچه که امروزه به عنوان هنر معماری صفوی می‌شناسیم معماری معنا گرایی است که سعی در پدیدار کردن مفاهیم والای معنوی و اشاره به حقیقت هستی دارد و تلاش برای کشف معانی پنهان در پس ظاهر آن همچنان می‌تواند ادامه داشته باشد و به عنوان الگویی از معماری معناگرایانه در تاریخ اسلامی برای امروز ما مطرح باشد.

## منابع

۱. حبیب ، فرشته ، ۱۳۸۸ ، تحلیلی از تعامل فرهنگ و کالبد شهر (نمونه موردی: اصفهان-صفویه) ، نشریه هویت شهر، شماره ۴
۲. عشرتی، پرستو ؛ دولابی، پویا ؛ ۱۳۹۹ ؛ واکاوی منظر شهری تاریخی اصفهان مبتنی بر بنیان های فرهنگی و طبیعی از آغاز تا پایان دوران صفویه ؛ معماری و شهرسازی آرمان شهر؛ شماره ۳۳
۳. کیانی ده کیانی، غلامرضا ؛ ۱۴۰۱، اصفهان شهر نظاره- بازشناسی معماری نظرگاهی صفوی، نشریه علمی باغ نظر
۴. مدقالچی، لیلا ؛ انصاری، مجتبی ؛ بمانیان، محمدرضا ؛ پورجعفر، محمدرضا ؛ ۱۳۹۵ ؛ تفکر تعقلی شیعی و تاثیر آن در معماری منظر دوره صفویه ؛ فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان؛ شماره ۲-۶
۵. نوروزی، ملیحه؛ شایسته، شیما؛ ۱۳۹۲؛ تاثیر فرهنگ بر معماری بومی ؛ معماری و شهرسازی و توسعه پایدار
۶. نیک فطرت، مرتضی؛ بیطرف، احسان؛ ۱۳۹۵، بررسی تاثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایداری، ماهنامه شبک
۷. هاشم زهی، سمانه؛ مهدی نژاد درزی، جمال‌الدین؛ کریمی، باقر؛ ۱۴۰۱، مطالعه تطبیقی بنیان های فکری معماری در فرآیند ناخودآگاه و خودآگاه (مورد مطالعه: مقایسه معماری دوره صفویه و معاصر)، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی/ شماره ۳۹/
8. <https://fa.wikipedia.org>

